

قرن شکوفائی

تمدن اروپائی

بازرگانی به دنبال پرچم می‌رفت و پرچم هم به دنبال انجیل!

هوایما و بالآخره استفاده از نیروی اعجاز آمیز برق و الکتریسته و پیدایش تلگراف و تلفن، تعبیرات مهم شکست آوری زاده در باب سبب شدن، با تکامل وسایل ارتباط جمعی روز بروز دنیا جمع تر و کوچکتر میشد و تماسها و ارتباطات سهل تر و سریعتر انجام مییافت. در نتیجه انقلاب صنعتی، تمدن کاپیتالیستی در سراسر جهان سط یافت و اروپا بر همه جا مسلط گردید و بطور طبیعی کاپیتالیسم به امپریالیسم و استعمار متهی گردید و در نتیجه مذهب، علوم، عشق به وطن و... برای یک هدف، مورد بهره برداری قرار میگرفت، برای اینکه صمیمان جهان و آنها که از لحاظ صنعتی عقب مانده تر هستند استثمار شوند و صاحبان ماشین و خداوندگاران صنایع بتوانند در روز بر ثروت

تاریخ قرن نوزدهم را می‌کشایم و صدمات جالت و جاذب آنرا از نظر میگردانیم و به مجموعه‌ی آن همچون دورنمایی پهناور و نابینا بزرگ می‌نگریم.... قرن نوزدهم، قرن شکستها و قرن پیشرفت‌های مابین تکنیکی است. قرن شکستگی تمدن اروپائی و قرن کاپیتالیسم و رشد سرمایه‌داری و قرن مبارکس و آروین و پیدایش افکار سوسیالیستی و دموکراسی و بالآخره قرن استعمار و استثمار....

در این قرن «فصلین» بیش از پیش در زندگی انسان، مقام و اهمیت می‌یابد، ماشینها قسمت مهمی از کارهای طاقت فرمای انسان را بر عهده گرفتند و ثروت فراوانی فراهم ساختند.

در اواخر قرن نوزدهم انومیل بازار آمد و سپس

کشورهای که از لحاظ صنعتی ترقی کردند هم بدون حیوانات درنده به روی یکدیگر می‌غریزند انگلستان که قسمت عمده غذایم را به جنگ آورده بود در مقامی بالاتر از سایر کشورهای اروپائی قرار داشت ، طبعاً میخواست تمام امتیازات را برای خود حفظ کند اما کشورهای دیگر مخصوصاً آلمان به این امر راضی نبود و بدینجهت تصادمات و اختلافات شدیدی بوجود آمد و بالاخره به جنگ عظیم منجر شد .

سنگ و تضاد ماهیت در کاپیتالسم نهفته است و اصولاً سرمایه‌داری و امپریالیسم که نتیجه‌ی آن می‌باشد بر اساس تصادم منافع و رقابت و استثمار قرار دارد .

صنایع سرمایه‌داری خیلی پریوریوت و متحرک بود و بنا به یک بود و بنا بر مساهبت و طبیعت خود دائماً بزرگ و بزرگتر میشد خصوصیت ممتاز و نمایان مؤسسات کاپیتالستی دست‌اندازی و تجاوز کاری بود. همواره آمادگی داشت که به مناطقی تازه‌ای چنگ بیندازد و آنها را تصاحب کند هدف صنایع سرمایه‌داری همیشه این بود که مفاد بیشتر و بیشتری کالا تولید کند و سود و ثروتی که از این راه بدست می‌آورد برای ساختن کارخانه‌ها و تأسیسات تازه به کار اندازد تا باز هم سود و ثروت بیشتری فراهم گردد . در جریان این امر و در راه رسیدن به این هدف همه چیز ، قربانی میشد .

کارگرانی که ثروت و صنایع را تولید میکردند خودشان کمتر از همه از آن بهره‌مند میشدند و آن تیره‌دوزان که شامل بسیاری از زنان و کودکان نیز میشدند ناچار بودند روزگار بسیار سخت و مهمی را

بگذرانند .

کشورهای استثمار دهنده نیز به همین قرار به وسیله صنایع کاپیتالستی مورد بهره‌کشی قرار میگرفتند و در راه افزایش سود و ثروت سرما به‌داران غربی قربانی میشدند بدین قرار سرمایه‌داری بی‌رحمانه پیش میرفت و در راه خود قربانیهای فراوان بجا میگذاشت .

در کشورهای آسیایی و افریقایی که تحت تسلط اروپایی‌ها قرار گرفته بودند، استثمار عظیمی می‌پروا ادامه یافت، هیچکس به مردم بدبختی که در آنجاها زندگی میکردند توجه نداشت ، جمع‌آوری ثروت و بالا رفتن سطح زندگی در اروپا به نفع مردم غربت زده و استثمار شده‌ی آسیا و افریقا و سایر نواحی صنعتی نشده صورت میگرفت .

فاصله میان ثروتمندان و فقیران افزایش مییافت و فاصله میان آنها بیشتر میشد، ثروت و فقر ، فراوانی و ناداری به نمایان‌ترین شکلی در کنار هم قرار گرفتند در یک سوئی موانع و رازکی از کثرت فراوانی می‌پوسید و نا بوده‌بند و در سوی دیگر مردم گرسنگی میکشیدند و دست‌رسی به غذای نداشتند .

بقول « پنجاهمین دسرابیلی » یکی از رجال و دوله قرن نوزدهم :

« انگار که ثروتمندان و فقیران دولت هستند ، که میان آنها رابطه و هم‌دردی و احساس مشترکی وجود ندارد . از هاداد و افکار و احساسات یکدیگر بیخبرند . بطوری که گویا با کتان نواحی مختلف با اهالی کرات جداگانه‌ای میباشد که با تربیت مختلفی رشد می‌یابند و غذاهای مختلفی می‌خورند و تحت

نظم مختلفی قرار میگیرند و یک قانون بر همه آنها حکومت می‌کند . »

فقر و سیه‌روزی ، گرسنگی و بی‌روبخشی توده مردم در برابر رفاه و سبزی دست‌مندی چنان نمایان بود که انبیاک قرن نوزدهم و نخست‌تأثیر فرار داد :

« گم‌تس » از شاعران بزرگ قرن نوزدهم که خود با فقر و گرسنگی دست‌به‌گریبان بود ، ملاحظاتی جالب و مناسبی دارد ، او میگوید :

« شاعر فقیر به اندازه یک سنگه‌هم فرصت و امکان مساعدت بدست نمی‌آورد . . . »

باور کنید که عملاً يك كودك فقير در انگلستان فقط كمی بیش از فرزند یکی از اهلان و بردگان آن زمان می‌باشد از آزادی فکری که داشته‌های بزرگ از آن پذیرد ، باید سهم داشته باشد . . . »

« شلی » یکی دیگر از شاعران این قرن در قطعه‌ای سرگشته‌دردناک و وقت‌انگیز کارگران را در رژیم سرمایه‌داری قرن نوزدهم بیان میدارد . این قطعه که « نقاب هرج و مرج » نام دارد ، خطاب به کارگران و زحمتکشان گفته شده است :

« شما نمی‌توانید در دسترس بگویید که آزادی چیست ؟ ما بردگی را خوب می‌شناسیم زیرا یعنی نام آن انگار کم و وطنی از وجود خودتان شده است . »

این بردگی است که شما ناچارید در برابر مزدی ناچیز که با آن جوانان فقط يك روز رانده‌ماند کار کنید و در کلبه‌هایی که همچون زندان است به سر بریده تا جباران اروپائی بتوانند خودش بگذرانند و سود ببرند این بردگی است که شما ناچارید برای آنها کارگاه و گاوآهن و شمشیر و ویل بسازید و خواه‌ناخواه برای سیر کردن و تزیین ساختن ایشان تزیین کنید . این بردگی است که باید کودکان خودتان را

علیل و تحریف بیند و مادراشان باید روزی و روز ضعف‌تر بشوند و تحلیل بروند تا با یادهای سردمستانی از یاد آرند و بسیرند !

این بردگی است که ناچارید با غذایی ناچیز و محدود گرسنگی بکشید در حالیکه ثروتمندان خوشگذران پیش از آنرا به سگهای فریبی میخورند که از شدت سیری نمیشوند از پیش‌پاشی آنها بجنبند . این بردگی است که در روح خود نیز غلام هستید و نمی‌توانید بر ارباب خود همه تسلط باشید و جز به آن صورت که دیگران شمارا میسازند رز آید .

و عاقبت وقتی از رنج خود به جان می‌آیند و از مزه‌های آرام و خاموش از وضع خویش شکایت می‌حاصلی سرمیکنند ، می‌بینید که سپاهیان آنان بر سر زنان و کودکان شما و خودتان می‌نوازند و خودتان همچون شمشیر سرخ بر چمن‌زارها می‌نشیند

درواقع باز تر از این چیزی که در سرمایه‌داری وجود داشت تضادهایی بود که تولید میکرد ، هر چه سرمایه‌داری بیشتر رشد مییافت این تضادها بیشتر و بزرگتر میشد . فقر شدید و فوق‌العاده در برابر ثروت فوق‌العاده ، کلبه‌های تاریک و محلات کثیف در برابر آسمان‌خراشها ، مستعمرات استثمار شده در برابر دولتهای استعماری همه‌همه نتایج روزافزون رشد سرمایه‌داری بود .

قاره‌اروپا تسلط بر جهان شد و آسیا و افریقا قاره‌های مورد استثمار بودند در اینجا باز با بدنه‌نفس مسیحیت بعنوان یک مذهب که مورد سوء استفاده قرار گرفت سخت توجه کنیم که چگونه مبلغان مسیحی به نام خدا و حقیقت و انشاعی دین به نواحی مختلف میرفتند ولی در واقع پیشاهنگان استثمار و نظام سرمایه‌داری

بقیه در صفحه ۳۹

انتخاب کرده است.

وی درباره اشتهای خود مینویسد: «آبادتر جهان
گیاه شناسی هست که پس از یک سفر دور در ازبایان
گیاه شگفت انگیز دست باید و تمام وجودش از
آفرین و تحسین بوجود در نیاید؟»

راستی که تنها نوج و مطالعه وقت در این
گیاه عجیب کافی است که با سائنها بفهماند که در
آفرینش همه پدیدهها خرد و کلان طبیعت، تدبیر و
نقشهای حکیمانه نهفته همه پیش بینیهای لازم در
آنها، شده، نیازها و راه پاسخ گویی به نیازمندیهای
آنان نیز در ساختمان وجودی آنها نهاده شده است.
و این نظم دقیق خودشان رهبری و هدایت تکوینی
موجودات توسط آفریدگار جهان است که در همه
پدیدهها آشکار است ولی «کو دیده خدایان تا بنگرد
خدا را!»

درنازی اعظمی کل شیء خلقه ثم هدی» سوره

طه آیه ۵۳

مابیح درون آن برای بسیاری از حشرات مرگک
آور است ولی در عنکبوت شاپری ندارد و به چکس نا-

کنون این سرعجب را کشف نکرده است

با آنکه آزمایشها و تجربیات آزمایشگاهی
فراوانی که در طی صدسال اخیر در اروپا و آمریکا
بر روی این مابیح بعمل آمده است، هنوز محققاً
نمیدانند که عامل مؤثر درون مابیح چیست؟

ولی سرانجام این نتیجه رسیده اند که «آن مابیحها
یعنی «ترکیبات آلی» گوناگون است که سبب
تغییرات شیمیائی در مواد غذایی میشوند و نیز با کتربها
عامل مؤثر در این مابیح هستند اما دانشمندان درازه
نوع این آنزیمها و چگونگی تأثیر آنها اوافن
ندارند!

طیعی یک سوندی فرزندم «شیابوس» که
در طبقه بندی گیاهان کارهای علمی پر ارزشی انجام
داده است برای اولین بار نام «پتانیوس» یا گیاه
وغمرده را برای انواع سیو گیاه که در مشرق میروید

« آدم » نه « آدمک »

بقیه از صفحه ۹۹

زهر کانه ای بهره جستند و با همین وسیله به مردم قبولانندند
که وضع موجود بهترین وضع ممکن میباشد، باید
همین وضع ادامه یابد و مردم چاره ای ندارند جز
آنکه در نوج بکشند و بار خود را تحمل کنند، و در حالی
که دینگران در نعمت و فراوانی به سرمیرند آنها باید
گرسنه بمانند، چه میشود کرد، گناه کسی نیست بلکه
مقدر است، سرنوشت است و یا کفر گناهان!

بودند آری استعمار ابتدا مبلغان مذهبی و دینوهای
نظامی خود را میفرستادند سپس به بهره برداری بازرگانی
میرداخت و این نفع در همان سالهای قرن ۱۹ ساز
شد که: «بازرگانی بدنیال پرچم هم بدنیال انجیل
میرفت»
و از این روحانیان سرمایه و آنها که قدرت را در
دست داشتند از مذهب بعنوان یک عامل مطرد بطرز